

بازرگان در تکاپوی کمال

فرشته بازرگان

شیخ کوینظر به نورالله شد
چشم آخرین بیست از بهر حق
از نهایت تا نخست آگاه شد
چشم آخرین گشاد اندر سبقت

روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و متخصصین علم رفتار درباره ویژگی‌های شخصیت سالم و انسان بالغ، سخنان بسیار گفته و مقالات و کتب زیادی در دهه‌های اخیر به رشته تحریر درآورده‌اند. توصیف انسان رشیدی که بتواند در ابعاد مختلف زندگی پربار، سازنده، مفید و مولد بوده و برای جامعه نیز الگویی آموزنده و ماندگار و الهام‌بخش به‌جای گذارد.

یکی از این محققین و متخصصین بنام فردریک هادسن (Fredrick Hudson) می‌گوید انسان رشدیافته و بالغ کسی است که:

- 1- بتواند مستمراً به هدف و معنای زندگی خود بیندیشد و در آن جهت گام بردارد.
- 2- بتواند احساسات خود را به‌درستی و با صداقت بیان کند.
- 3- به قدرت و توانایی خود واقف باشد و استعدادهای خود را بشناسد و به‌پوراند.
- 4- پیوسته درصدد حل مسأله و راهیابی برای مشکلات موجود باشد و این کار را تنها به‌عهده دیگران وانگذارد.
- 5- توانایی همکاری با دیگران و فعالیت‌های گروهی و جمعی داشته باشد (ایجاد سینرژی کند).
- 6- آینده‌نگر باشد و همواره افق‌های دورتر و بالاتر را مد نظر داشته باشد.
- 7- قادر به هماهنگی و مطابقت خود با دیگران بدون دست‌کشیدن از مواضع برحق خود باشد.
- 8- از اشتباه‌کردن نترسد و برای دیگران نیز این حق را قائل باشد.
- 9- همیشه به‌دنبال یادگیری و کشف منابع و اطلاعات جدیدی باشد و آمادگی پذیرش تغییرات و تحولات را در جهت رشد و پیشرفت داشته باشد.
- 10- تحمل نقد شدن و توانایی نقدکردن منصفانه را داشته باشد.
- 11- اهل تشکر و تقدیر از دیگران باشد.

و اما انسان کامل و شخصیت سالم از نظر «آلبورت»، روان‌شناس معاصر نیز دارای چنین خصوصیتی است:

- 1- قادر به شکوفایی استعدادهای درونی خود از طریق گسترش فعالیت‌های مردمی و داشتن ارتباط مفید و مؤثر با دیگران باشد.
- 2- انسانی صمیمی و دلسوز که توانایی ایثار و محبت بی‌قید و شرط را داشته باشد.
- 3- در کنترل عواطف و احساسات و سایر ابعاد زندگی، معتدل و میانه‌رو باشد.
- 4- درک واقع‌بینانه‌ای از محیط و جهان پیرامون خود داشته باشد.
- 5- احساس وظیفه و مسئولیت در عمل به وظایف انسانی خود بنماید.
- 6- از طریق خودشناسی و خودسازی به وجود متعالی خود عینیت بخشد.
- 7- هدف‌دار و هدف‌جو باشد.

«ویکتور فرانکل» روان‌پزشک و روان‌درمان معاصر و ابداع‌گر روش معنادرمانی، درباره شخصیت انسان کامل چنین می‌گوید:

انسان کامل، کسی است که دارای اراده‌ای برتر و توانمند باشد و او انسانی است که همواره در جست‌وجوی معنایی برای زندگی است تا به هستی خود در این جهان منظوری ببخشد. چنین انسانی، مجذوب چیزی فراسوی خود می‌باشد و به دنبال یافتن راه و معنای هستی است. او این مسیر را نه صرفاً با اندیشیدن و سخن‌گفتن که با اقدام و حرکت و اعمال آگاهانه طی می‌کند.

دکتر فرانکل معتقد است که «معنویت، آزادی و مسئولیت» سه عامل اصلی تشکیل‌دهنده جوهر وجود انسان است. و اما ویژگی‌های انسان کامل و شخصیت سالم از نظر قرآن و در کلام وحی در وجود پیامبران مختلف، مصداق یافته و به کرات در آیات مختلف توصیف گردیده‌است. نماد و الگوی چنین انسانی را خداوند در وجود ابراهیم (ع) متجلی و معرفی کرده است. و مراحل مختلف زندگی و اوصاف و اعمال وی را همچون تصویر بی‌عیب و نقصی فراروی بشریت قرار داده و تقلید و تبعیت از وی را به رسول خود و همه مؤمنین و موحدین توصیه و تکلیف کرده‌است. (1)

نام ابراهیم 69 بار و در 25 سوره قرآن ذکر گردیده. در این 25 سوره، مطابق با مضمون و محتوای اصلی آن، روایتی از ابراهیم و پرتویی از انوار شخصیت وی به‌عنوان الگو و نماد آن ویژگی مذکور است که ذیلاً به پاره‌ای از این صفات و مشخصات اشاره می‌کنم:

- 1- ابراهیم حنیف (حق‌گرا) و هدف‌جو بود و پیوسته به دنبال یافتن حقیقت جهان هستی. (2)
- 2- ابراهیم در خلال جان خود، دوستی خداوند را جایگزین دوست‌داشتن خود کرده بود و خدا نیز او را به لقب «خلیل‌الله» ملقب فرمود. (3)
- 3- ابراهیم، انسانی دل‌سوز و دل‌رحم و بسیار بردبار بود. (4)
- 4- ابراهیم، پیامبری بردبار و صبور و دل‌رحم و بسیار بازگشت‌کننده به سوی ارزش‌های الهی بود. (5)
- 5- ابراهیم، پیشوا و رهبری فرمان‌بردار خدا و حق‌گرا بود و از مشرکین نبود. (6)
- 6- ابراهیم، پیامبری راست‌گفتار و راست‌کردار بود. (7)
- 7- توانمند و صاحب بصیرت بود. (8)
- 8- حق‌بندگی خدا را به تمامی ادا کرد. (9)
- 9- ابراهیم، پیامبری تسلیم مطلق خدا و شخصیتی فرازمانی و فرامکانی بود و برای همه نسل‌های پس از خود، دلسوزی و برای هدایت و سعادت و سلامت بشریت دعا می‌کرد. (10)
- 10- دل و همه وجودش را تسلیم خدا کرده‌بود. (11)

در طول تاریخ سرزمین ما ایران، مردان بسیاری را با برخی از این ویژگی‌های انسانی و الهی به خود دیده و در دامانش پرورانده‌است. بزرگ‌مردان آزاده‌ای که از فرصت کوتاه عمر خود، نهایت بهره را گرفته و با فروختن شمع وجودشان، انواری از دانش و آگاهی و تلاش در راه آزادی را در جامعه و محیط خود تابانده‌اند. چنین انسان‌هایی چه در زمان حیات و چه در ممات از طریق افکار و آثاری که به وجود آورده و از خود به جای گذارده‌اند، همواره پاسدار ارزش‌های انسانی و الهی در جوامع بشری بوده و مشعل هدایت و آزادی را پرفروغ نگاه داشته‌اند.

جان فدای نفس نادره‌مردانی باد که کم و بیش نگشتند به هر بیش و کمی

شاید بتوان به‌حق مهندس بازرگان را یکی از پایه‌گذاران مکتب خداپرستی خالصانه، بشردوستی و آزادی‌خواهی و از مشتاقان و مبارزان در راه احقاق حقوق انسان‌ها و ایجاد جامعه آزاد و توحیدی و پایه‌گذار جامعه مدنی در ایران نامید.

بازرگان بیش از دو سوم عمر 86 ساله و پربرکت خود را در راه مبارزه برای استقرار آزادی و ایجاد جامعه‌ای قانون-مدار و انسانی و مبتنی بر ارزش‌های الهی و رحمانی سپری کرد.

صاحب این قلم به‌عنوان فرزندی که ایام زیادی را در کنار ایشان گذرانده و از نزدیک شاهد اعمال و رفتار و عکس-العمل‌های پدر در فراز و فرودهای زندگی پر حادثه و پرتلاش‌شان بوده‌ام، به خود اجازه می‌دهم که اختصاراً به چند نکته از ویژگی‌های شخصیتی ایشان اشاره کنم. مقایسه این صفات را با خصوصیات انسان بالغ و شخصیت سالم از

نظر روان‌شناسان و مصداق بنده صالح خدا را که در قرآن به تصویر کشیده شده است، برعهده خوانندگان این متن می‌گذارم.

1- یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های بازرگان، شاید صداقت همیشگی وی بود. او هرگز دروغ نگفت؛ چه در خطر و چه در دوران عافیت. نه به دوستان و نه به دشمنانش. بازرگان نه تنها صداقت در کلام داشت، که صادق در عمل بود. یعنی به آنچه که اعتقاد و باور داشت و به زبان می‌آورد، قبل از همه خود عمل می‌کرد. از پیچیدگی و اغراق در کلام بری و بسیار صریح‌الهیجه بود. دعایی که ایشان در اولین روز نخست‌وزیری در دانشگاه تهران و در برابر ملت ایران به زبان آورد، چنین بود:

17/80: بگو «پروردگارا مرا در ورود به هر مأموریتی الهی و خروج از آن راستی و درستی عطا فرما، چنان که انجام کار موجب رضای خالق یکتا باشد و برای من در انجام امور از محضر خودت قدرتی حمایت‌گر عطا فرما.» و خداوند نیز دعایش را بی‌جواب نگذارد و چنین شد. بازرگان به دلیل احساس وظیفه ملی و شرعی خود چنین مأموریت و مسئولیت خطیری را به‌عهده گرفت و 9 ماه در سخت‌ترین شرایط با نهایت تلاش و خلوص و صداقت خدمت کرد و هنگامی که همه راه‌ها را به رویش بستند، با سبک‌باری و سرافرازی، مقام را رها کرد و به دست دیگرانش سپرد.

2- بازرگان، هدف‌جو و حق‌گرا بود. وی در برابر هر کلام حقی، تسلیم می‌شد. در مباحثات و مناقشات در اثبات نظریات و عقایدش اصرار و عناد نمی‌ورزید. اغلب در برابر آرای جمع از رأی خود منصرف می‌شد. در برابر ضعیفان، بسیار متواضع و مهربان و فروتن و در برابر زورگویان و قلدران قدرت‌مدار، بی‌باک و جسور بود. حرف حق را می‌زد و شهادت به حق می‌داد، ولو به زبان خود و برخلاف مصالح و موقعیت خویشتن. نمونه‌های آن بسیار است و توضیحات در این باره کلام را به درازا می‌کشد.

3- همواره در حال یادگیری و خواندن و کسب اطلاعات جدید علمی، فرهنگی و اجتماعی بود.

4- بازرگان انسانی متعادل و در همه امور، اهل میانه‌روی و اعتدال بود. ما فرزندان همیشه شاهد تقسیم‌بندی و تخصیص اوقات روزانه ایشان به ابعاد و نیازهای مختلف انسانی بوده‌ایم. وقتی برای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، زمانی برای کار و تلاش اقتصادی، اوقاتی برای ورزش و گردش و استراحت و صلح‌رحم و البته لحظات و اوقات روحانی در خلوت خود و خدا و عبادت و دعا.

5- یکی دیگر از ویژگی‌های بازرگان، یکپارچگی شخصیت و انسجام مابین پندار و گفتار و کردار بود. در اکثر ما انسان‌ها، فاصله میان خود واقعی و خود ایده‌آل، زیاد و عمیق و اغلب پرنکردنی است، علی‌الخصوص کسانی که وارد دنیای سیاست و رقابت می‌شوند که تفاوت و یا گاهی تضاد رفتار به هنگام ضعف و ذلت با ایام سروری و قدرت از زمین تا آسمان است.

زر قلب و زر نیکو در عیار
بی‌محک هرگز ندانی زاعتبار
هر که را در جان خدا بنهد محک
هر یقین را باز داند او ز شک

به جرأت می‌توانم بگویم که مهندس بازرگان در این راه توفیقات بسیاری کسب کرده‌بود. بازرگان قبل از قدرت و در بند و زندان و در حین قدرت و پس از آن، یکسان زیست و یک‌گونه عمل کرد. ایشان، اصول و ارزش‌های الهی را در منش خود چندان نهادینه کرده‌بود که بازتاب آن در اعمال و رفتار خود به خود متجلی می‌گردید.

یک‌بار در جواب مادرم که از ایشان پرسیده بودند؛ آیا این همه استقبال و اظهار محبت مردم در تو ایجاد شادی و غرور نمی‌کند؟ گفته بودند: «حقیقتاً که نه از کف‌زدن‌ها و استقبال جمعیت به وجد و هیجان می‌آیم و نه از مرگ-خواهی و دشنام دشمنان چندان متألم و منقلب می‌شوم. همه این‌ها، موقت و گذراست. ای کاش که نزد خدا و در درگاه او مقبول و محبوب باشم.»

می‌توان گفت که پیام بازرگان، ایمان و خداپرستی خالصانه و بی‌واسطه، عمل صالح، تقوی، آزادی و تسامح و آخرت-نگری بود. روحش شاد و یادش گرامی و راهش مستدام باد.

آن عاشقان شرز که با شب نزیستند رفتند و شب خفته ندانست که کیستند
فریادشان تموج شط حیات بود چون آذرخش در سخن خویش زیستند

مرغان پرگشوده توفان که روز مرگ دریا و موج و صخره بر ایشان گریستند

- 1- آیه 6 و 161 سوره انعام: (ای پیامبر) بگو پروردگار من به‌واقع مرا به راه راست هدایت نموده، به دین و آئینی ماندگار و برپا دارنده، دین ابراهیم حق پرست، هم او که هیچ‌گاه از شریک آورندگان به خدا نبود.
- 2- سوره آل‌عمران، آیه 95: (ای پیامبر) بگو فرمایش خداوند صدق محض است، پس از آئین ابراهیم که پیامبری حق پرست و مبراً از شرک بود، پیروی کنید.
- 3- سوره نسا، آیه 125: و کیست نکودین‌تر از آن که دل خود را به خداوند سپرده، نیکوکردار و پیرو دین ابراهیم حق‌گراست؟ هم او که خداوند ذوالجلال او را به افتخار دوستی خود نائل کرد.
- 4- سوره توبه، آیه 114: ... همانا ابراهیم بنده‌ای به‌واقع بردبار و بسیار دلسوز بود.
- 5- سوره هود، آیه 75: ابراهیم به‌واقع بنده‌ای بسیار بردبار، دلسوز و آمرزش‌طلب و بازگشت‌کننده به سوی خدا بود.
- 6- سوره نحل، آیه 120: ابراهیم پیشوایی فرمان‌بردار خدا و حق‌گرا بود و در جرگه شرک‌ورزان نبود.
- 7- سوره مریم، آیه 41: در این کتاب از ابراهیم یاد کن که پیامبری راست‌گفتار و راست‌کردار بود.
- 8- سوره ص، آیه 45: بندگان پرتوان و بصیر ما، ابراهیم و اسحاق و یعقوب را به یاد آر.
- 9- سوره نجم، آیه 37: و ابراهیم که حق (بندگی ما) را به تمامی ادا کرد.
- 10- سوره بقره، آیه 129، دعای ابراهیم: پروردگارا، در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز که آیات تو را بر آنها می‌خواند و به آنها کتاب و فرزانی می‌آموزد و (از پلیدی جهل و شرک) پاک‌شان می‌سازد و تو فرادست و فرزانه‌ای. «دعای ابراهیم برای امت محمد (ص)»
- 11- سوره صافات، آیه 84: آن‌گاه دلی پاک و سلیم (به پیشگاه) پروردگارش عرضه کرد.